

## معرفی و ارزیابی کتاب

### «گزیده‌ای از عصر اطلاعات: الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات»

فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره ۴۱ زمستان ۱۳۸۷

دیویدا اس. آبرتس ودانیل بس پاپ؛ گزیده‌ای از عصر اطلاعات: الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات، ترجمه علی علی آبادی و رضا نخجوانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۵، ۳۷۶ص.

کتاب فوق با سخن ناشر و پیشگفتار آغاز شده و در هفت فصل تنظیم گردیده و با نظر نهایی و یک واژه نامه به زیور طبع آراسته شده است.

### بررسی محتوایی

**فصل اول** کتاب با عنوان «امنیت ملی در عصر اطلاعات» آغاز می‌شود. پس از مقدمه ابتدای فصل به پیشینه و سازماندهی مطالب پرداخته شده است. معنی و مفهوم امنیت ملی و تاریخچه‌ای مختصر در باب فن آوری اطلاعات و ارتباطات، فقرات میانی این فصل را تشکیل می‌دهند. بررسی سوابق فعالیت‌های پنهانی در جنگ جهانی اول و دوم، دریچه‌ای برای بحث در اهمیت این موضوع باز می‌کند. بررسی جنگ خلیج فارس به عنوان یکی از پیش آهنگ‌های جنگ عصر اطلاعات و ویژگی‌های تمایز آن و بررسی این ویژگی‌ها، سیر بحث را به عنوان تأثیر فن آوری‌های عصر اطلاعات می‌کشاند. گسترش فن آوری‌های عصر اطلاعات و ترسیم نمودارهایی که نشانگر توسعه یافتگی تکنولوژی اطلاعات می‌باشد، ویژگی اصلی این بخش از فصل اول است. آثار فن آوری‌های عصر اطلاعات بر امنیت ملی، مهم‌ترین و اصلی‌ترین موضوع مورد بحث در این فصل است که در واقع نزدیک‌ترین عنوان را با عنوان فصل تداعی می‌کند. در ادامه، محیط راهبردی

عصر اطلاعات به صورت نسبتاً مفصلی به بحث کشیده شده و در خاتمه این فصل و در نتیجه گیری از بحثهای صورت گرفته، موضوع امنیت ملی در عصر اطلاعات، تحلیل و تبیین گردیده است.

**فصل دوم** کتاب با عنوان «بیت‌ها، بایتها و دیپلماسی» اثر واتر بی. ریستون است. انقلاب سوم فن آوری و دهکده جهانی نخستین موضوعات این فصل را شکل می‌دهند. ویژگی‌ها و آداب و عادات دهکده جهانی مورد تأکید نویسنده قرار گرفته است و گفتگوی جهانی در محور این بحثها می‌باشد. در بخش بعدی این فصل، عنوان «سرچشمه جدید ثروت» به چشم می‌خورد که اطلاعات ارزشهای اطلاعاتی را به عنوان یکی از منابع عظیم ثروت در جهان مطرح کرده و مورد بحث قرار می‌دهد. سلطه اطلاعاتی و رهبری واقعی، موضوع نهایی این فصل مختصر را تشکیل می‌دهند که نویسنده در سلطه اطلاعاتی، به دست یافتن به برتری‌های اطلاعاتی و تأثیر آن در آسیب پذیری‌ها اشاره می‌کند و در بخش نهایی؛ یعنی رهبری واقعی، با تأکید بر سرعت پیشرفت تکنولوژی اطلاعات، هر کشوری را که از این تکنولوژی و پیشرفت آن بهره‌مند باشد، در جای رهبری واقعی می‌بیند.

**فصل سوم** کتاب با عنوان «هفت نوع جنگ اطلاعاتی» اثر مارتین کا. لیبکی است. مارتین لیبکی که از تئوری پردازان مباحث مربوط به جنگ اطلاعاتی است، در این مقاله نیز مقدمه‌ای را در بحث از جنگ اطلاعاتی آورده است و هفت مرحله از جنگهای اطلاعاتی را بر می‌شمرد. عنوان «هدف قرارداد سرفرمانده» برای تقویت این مفهوم به ذهن برگزیده شده که در این صورت، همان گونه که در جنگهای قدیم با این رخداد کم‌سپاه دشمن شکسته می‌شد، اکنون این وظیفه را سیستمهای اطلاعات بر عهده دارند و در نتیجه، ضربه زدن به بخش فرماندهی از طریق سامانه‌های اطلاعات می‌تواند بسیار مهلک باشد. بخش بعدی با عنوان «هدف قرارداد گردن فرمانده»، به تأثیر حمله‌های صورت گرفته به سیستمهای اطلاعاتی رسانه‌های دفاعی و تهاجمی آن می‌پردازد. عناوینی از قبیل جنگ اطلاعات محور و جنگ اطلاعات محور آفندی و جنگ اطلاعات محور

پدافندی، موضوعات دیگر این فصل هستند. جنگ الکترونیک، هدف قراردادن ارتباطات، نیرنکاریها، جنگ روانی و هدف قراردادن اراده ملی و هدف قراردادن فرمانده و نیروها، بحثهای بعدی این فصل هستند. در انتهای این فصل نیز موضوع دوم «جنگ نفوذگرها» به بحث کشیده شده است. واقعیت این موضوع، وجود حمله نفوذگر به عنوان یک جنگ و سؤال از اینکه آیا آمریکا باید به مبارزه با جنگ نفوذگرایان برخیزد، بحثهای مختلف این موضوع می‌باشند. جنگ اطلاعاتی اقتصادی، تروریزم اطلاعاتی، جنگ شبیه سازی شده و طرحها و موضوعات جاسوسی، بحثهایی هستند که مؤلف به صورت مختصر به آنها پرداخته است. در انتهای این مقاله، نویسنده نتیجه گیری می‌کند که جنگ اطلاعاتی ماهیتاً فرصت طلبانه است نه جبر گرایانه. نتایج این تحلیل و بررسی‌ها در انتهای فصل و در پنج صفحه مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلف در انتها نتیجه گیری می‌کند که نیروهای آمریکایی در جنگ اطلاعاتی پدافندی قوی‌تر از وضعیت آفندی هستند و به برخی از آسیب پذیری‌های آنها نیز اشاراتی می‌کند.

**فصل چهارم** عنوان «امتیاز اطلاعاتی آمریکا» را با خود دارد که اثر سه نویسنده؛ یعنی جوزف نای، جی. رادنز و ویلیام ای. روزنر می‌باشد. این فصل با موضوع «منبع قدرت آینده» آغاز می‌شود. تلاقی «قدرت نرم» و برتری اطلاعاتی در این فصل به خوبی به چشم خورد و از ابتدا نیز بحثها با آن آغاز می‌شود. «توانمندی نظامی و اطلاعاتی»، بحث بعدی است که به تحریر کشیده شده است. «چتر اطلاعاتی» نیز از مباحث میانی این فصل است. از نظر نویسندگان، برخی از توانمندی‌های ویژه نظامی و فن آوری اطلاعاتی آمریکایی‌ها می‌تواند مفهوم «چتر اطلاعاتی» را شکل دهد. «جنبه نرم قدرت اطلاعات» عنوانی است که به مباحث مربوط به ابعاد نرم قدرت اطلاعاتی پرداخته است. «حمایت از دموکراسی‌های جدید» و «پیشگیری از تضادهای منطقه‌ای» موضوعات مهمی هستند که به اختصار به آنها پرداخته شده است. در انتهای این فصل، نویسندگان به بحث «فرارسیدن قرن آمریکایی» پرداخته‌اند. نویسندگان این باور را نتیجه گیری می‌کنند که ایالات متحده می‌تواند کارایی نظامی‌اش را افزایش داده و جهان را با قدرت نرم و برتری رقابتی ذاتی

آمریکا ایمن سازد. اما اینکه تا چه اندازه این پیش بینی درست است، آینده روشن خواهد کرد.

**فصل پنجم** کتاب با عنوان «اینترنت و امنیت ملی: مسائل در حال ظهور» اثر دیوید هالیرین است. این فصل نیز مقدمه‌ای دارد که در آن، اینترنت به لحاظ ماهیتی و تأثیری مورد شناسایی قرار می‌گیرد. سپس به سرعت، بحث از منافع امنیت ملی آمریکا آغاز می‌شود که این منافع در هشت محور اصلی دسته بندی و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. جلوگیری از جنگ، ممانعت از تروریزم، ممانعت از تکثیر سلاحهای انهدام جمعی، جلوگیری از خرابکاری علیه آمریکا، ایجاد دموکراسی و حقوق فردی در خارج از آمریکا، کنترل جرم بین‌المللی، پیشگیری از بحرانهای فقر، گرسنگی و بیماری و حفظ محیط زیست، هشت منفعت اصلی در منافع امنیت در آمریکا به زعم نویسنده می‌باشند. نویسنده، آثار اینترنت برای امنیت ملی را در پنج محور دانسته و آنها را در کمک اینترنت به انتشار اطلاعات، کمک اینترنت به انتشار اطلاعات گمراه کننده، کمک اینترنت به انتشار اطلاعات رمز گذاری شده، فراهم ساختن فرصتها برای خرابکاری در سیستمهای رایانه‌ای توسط اینترنت و ایجاد یک وابستگی همگانی و تضعیف حاکمیت ملی، منحصر می‌کند. سپس به بحث برنامه‌ریزی درباره مسائل پرداخته و موضوعاتی از قبیل پرداختن به جنگ و پیشگیری از جنگ، پیشگیری از تکثیر تسلیحات، پیشگیری از تروریزم، پیشگیری از حمله علیه زیر ساختها، پیشگیری از جرم بین‌المللی، ترویج دموکراسی و حقوق فردی، پیشگیری از بحرانهای فقر، گرسنگی و بیماری و سرانجام حفاظت از محیط زیست را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. در انتها با نتیجه گیری بسیار کوتاهی این فصل خاتمه می‌یابد.

**فصل ششم** با عنوان «فن آوری، جاسوسی و جریان اطلاعات قوه مجریه و تصمیم گیری در عرصه امنیت ملی» اثر لوچ کا. جانسون است. این فصل نیز پس از بیان مقدمه، موضوع جویبار اطلاعات را به عنوان مقدمه‌ای برای تصمیم گیری به بحث گذاشته است. بحث گردآوری اطلاعات و جذابیت جاسوسی فنی و جاسوسی از منافع

اصلی با تأکید بر جنبه انسانی مباحث مربوط به بُعد جاسوسی این فصل را شکل می دهند. از این مرحله به بعد، نویسنده وارد مباحث پردازش اطلاعات، تحلیل اطلاعات یا انتشار اطلاعات شده، چرخه اطلاعات را در این مدار مورد بررسی قرار می دهد.

«اطلاعات و لحظه تصمیم گیری» عنوان بخشی از عناوین فصل است که در واقع اصلی ترین فقره بحث را شکل می دهد. به عنوان مطالعات موردی نیز در این فصل به بحث از مورد بحران موشکی سال ۱۹۶۲ پرداخته شده و سه موضوع کاستی های جاسوسی فنی، جنبه انسانی و عامل توازن در بحران موشکی در این مورد مطالعاتی به بحث کشیده شده است. جمع بندی مربوط به مباحث «فن آوری و اطلاعات»، آخرین بخش این فصل است که نویسنده به تحلیل و تبیین نتایج خود می پردازد.

**فصل هفتم** که آخرین فصل کتاب است با عنوان «امنیت ملی در عصر اطلاعات» اثر دیوید کا. گایدت است. این فصل را می توان در واقع حاوی اصلی ترین مباحث مربوط و نزدیک به عنوان کتاب دانست. پی از مقدمه، پیشرفت در سیاستهای جهانی، انقلاب اطلاعاتی و قدرت ملی موضوعاتی هستند که این فصل با آنها آغاز می شود. نویسنده به سرعت به بحثهای مربوط به جنگ پرداخته و «اینترنت در حال تغییر جنگ» را عنوان یکی از بخشهای این فصل قرار داده است. در این بخش، به موضوع «انقلاب در امور نظامی» پرداخته و تعامل این مفهوم را با مفهوم عصر اطلاعاتی به بحث و بررسی گذاشته است. در بحث بعدی به «خطرهای انقلاب اطلاعاتی» می پردازد. منافع آمریکا و چگونگی در خطر گرفتن آنها از سوی کشورهای ماوراء دریاها با توجه به تنوع مهاجمان بالقوه و آسیب پذیری شبکه ها، فقرات اصلی این بحث را شکل می دهند. ارزیابی شبکه ای و راهنمایی سیاسی، انتقال فن آوری اطلاعات و دگرگونی نظامی، بحثهای هستند که نویسنده در انتهای فصل خود بدانها پرداخته و جمع بندی و نتیجه گیری از آنها را در یک خاتمه کوچک به نام «نظر نهایی» آورده است. البته عنوان جنگ اطلاعاتی و شرح دو صفحه ای که در این زمینه آمده نیز نشانگر اندیشه های نویسنده در باب این موضوع است؛ اما می توان گفت که بیش از هر چیز، جنگ در مفهوم امنیت ملی از نظر

نویسنده محور بوده است. با یک واژه نامه مختصر در انتهای کتاب، کتاب به پایان می‌رسد.

### بررسی تحلیلی

این اثر را می‌توان در شمار آثار ارزشمند در زمینه فن‌آوری اطلاعات و تأثیر آن بر امنیت ملی دانست. نکات بسیار مثبت و سودمندی را می‌توان در مباحث مطروحه از سوی نویسندگان دریافت و می‌توان گفت که گزینش بسیار خوبی نیز توسط ویراستاران صورت گرفته است؛ اما نکات چندی نیز قابل توجه است:

۱. در این اثر بیش از هر چیز دیگر امنیت ملی در مفاهیمی مانند جنگ، تکثیر تسلیحات، جاسوسی، ضربه به زیر ساختهای حیاتی و حساس و از این قبیل موضوعات منحصر شده است. حال آنکه در جهان امروز، مباحث بسیاری از قبیل تأثیر پذیری فرهنگها، تحولات در مفهوم شهروندی جهانی، از بین رفتن مرزهای ملی و ... نیز وجود دارند که نویسندگان یا ویراستاران بدانها پرداخته و تنها به منافع ملی از دریچه آمریکا پرداخته می‌شود. حتی با فرض اینکه این کتاب آمریکا را محور قرار داده است، باز می‌توان مباحث بسیار مهم دیگری را نیز در آمریکای امروز سراغ گرفت که تعامل آنها با فن‌آوری اطلاعات، مباحث بسیار مهمی را شکل می‌دهد که دست کم به برخی از آنها می‌توان پرداخت.

۲. کتاب حاضر در پرداختن به مباحث نظری و مفهومی فن‌آوری اطلاعات و امنیت ملی و تحولات آنها در سایه تحولات روزافزون دهه اول قرن بیست و یکم، دارای مباحث چشمگیری نیست. اینکه فن‌آوری اطلاعات چه حوزه‌هایی از زندگی انسانی را متحول کرده، واقعیتی انکار ناپذیر است؛ ولی اینکه می‌تواند چه حوزه‌های دیگری را دستخوش تغییر و تحول سازد، در جای خود از اهمیت وافری برخوردار است. رخداد انقلاب در امور نظامی (RMA)، جنگ اطلاعاتی، آسیب‌رسانی به تأسیسات زیر ساختی و ضربه زدن به بنیادهای مدیریت اطلاعات، دست کم مربوط به بیش از یک دهه گذشته

است.<sup>۱</sup> برخی از این نوع مباحث نیز قدمتی بیش از این دارند. در نتیجه، می‌توان گفت که این اثر هر چند در سالهای نخستین دهه اول قرن بیست یکم نوشته شده است، ولی هنوز به مباحث دهه آخر قرن بیستم ناظر است.

۳. موضوع بازیگران غیر دولتی و بهره‌برداری آنها از فن‌آوری اطلاعات در نوعی از درگیری‌های مدنی و غیر مدنی و شکل‌گیری رویارویی غیر متقارن اطلاعاتی در یک میدان درگیری چند وجهی اطلاعاتی از مباحث پر اهمیتی است که در این اثر مغفول مانده است. بی‌شک به وجود آمدن سازمانهای مجازی و انجام عملیتهای واقعی، شکل‌گیری گروههای تروریستی و مبارزاتی فراملیتی و به وجود آمدن گروههای اندیشه‌ای اینترنتی که از چت رومها و ایمیلها به عنوان کانالهای ارتباطی خود سود جستند، از آن دست مباحث جدی است که می‌توانست در این اثر جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد.

۴. به وجود آمدن فرهنگ ارتباطاتی نوین از تعامل میان تکنولوژی اطلاعات و گستره ارتباطی، پدیده نوین و قابل بحثی است. از آنجا که با به وجود آمدن تکنولوژی اطلاعات، ارتباطات سیگنالی جای خود را به ارتباطات دیتایی بخشید، این تنها فن‌آوری نبود که متحول می‌شد، بلکه به همراه آن نوعی از فرهنگ ارتباطاتی بود که دستخوش تحول می‌شود که به تبع آن بسیاری از ارزشهای اجتماعی، خانوادگی و ملی نیز تغییر کرده و تعلقات فردی و دینی افراد تحت سیطره فن‌آوری اطلاعات و در بستر فرهنگ ارتباطاتی نوین، یکسره پوچ و بی‌ارزش می‌گردد. چنین پدیده‌ای را نمی‌توان کم‌اهمیت تلقی کرد یا آنقدر کم بر شمرد که بدان پرداخت. به طور کلی، اثر با وجود داشتن ارزشهای جدی، از کاستی‌های بسیاری نیز رنج می‌برد.

۱. برای یافتن اطلاع بیشتر از چنین موضوعاتی می‌توانید ر.ک به: رضا کلههر، «جنگ اطلاعاتی در جنگ آینده»، نشریه سیاست دفاعی، بهار و تابستان ۱۳۸۱.